



* تپ تپ /

اعلامضرت متما نگران
عالیجناب و میل هستن،
نه...؟

هر دو اونا برای من
عزیزن...



چطور باید با تراژدی
پیش رو کنار بیام...؟



سرور، ۴؟





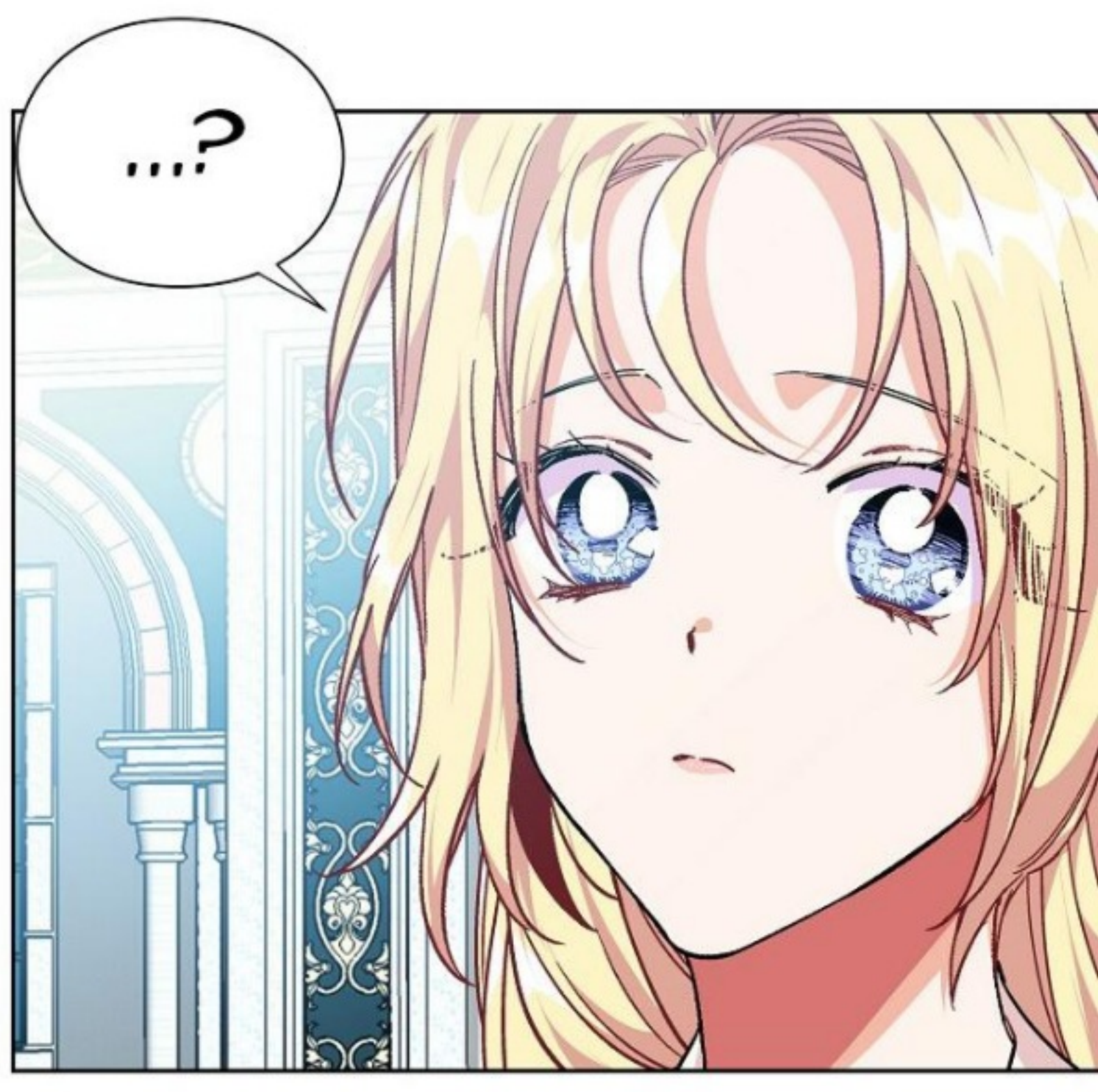
웹툰 mini 원작 유인

제 107 화

ترجمه: H...H

ادیت: *HANA*

کاری از تیم MIRANKA



...ممنون.



...هنوز چیزی
نفوردی؟



آه

نه.
هنوز نه...

چرا نه؟
خیلی از ظهر گذشته.

سر م شلوغ بود...

??



میریم که یہ درسی
بہت بدم.



چی؟



شوفی کردم.



پفف

بریم غذا بفوریم.



آه...

یکم بیرون رفتن اوکیه.

من نمیتونم عالیپناب رو
هم اینطوری ترک کنم.

باشه. میخوام یه چیز
خوشمزه بفورم.

اوکی یه چیز خوشمزه..
و نظرت در مورد یکم
دسر شیرین چیه؟

آره شاید کیک توتفردنگی
یا شیک شکلات

پودینگ انبه و تارت موز که
فیلی دوست داری میفرم، و
چند تا ماکارون* فخرانسوی.

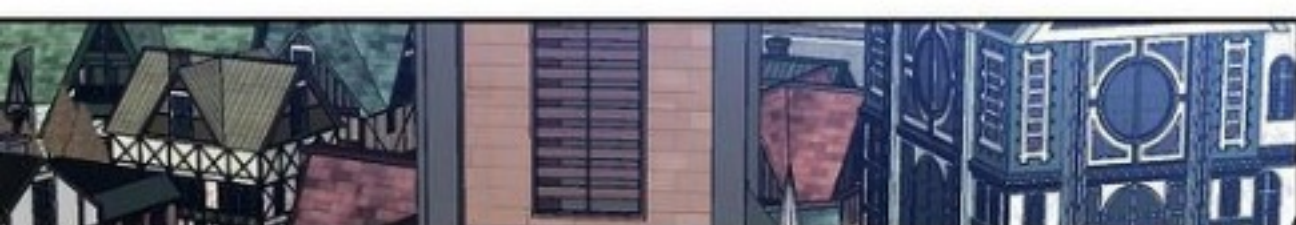


*تان شیرین مرکب از شکر و زرده تخم مرغ و بادام.

چنگ زدن

بزن بریم.



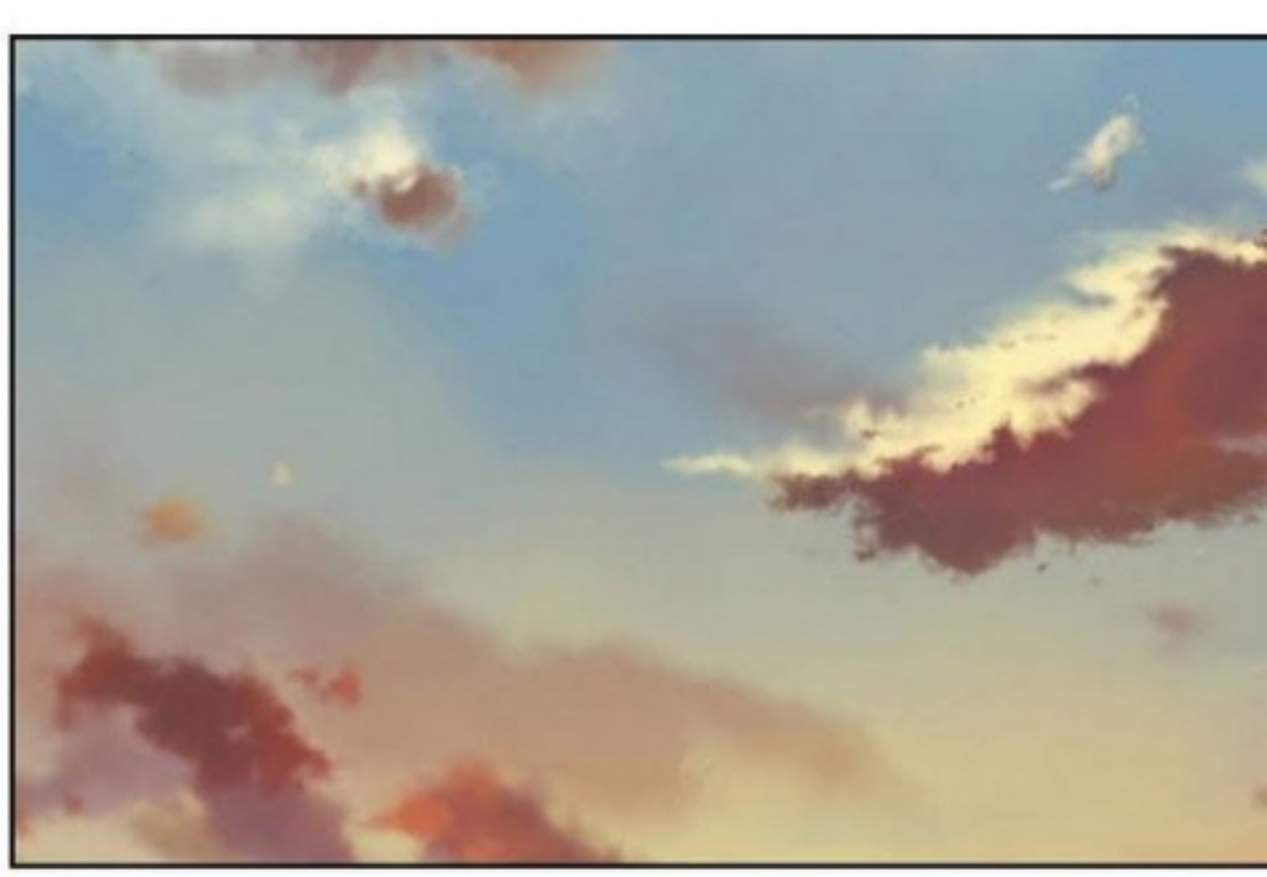
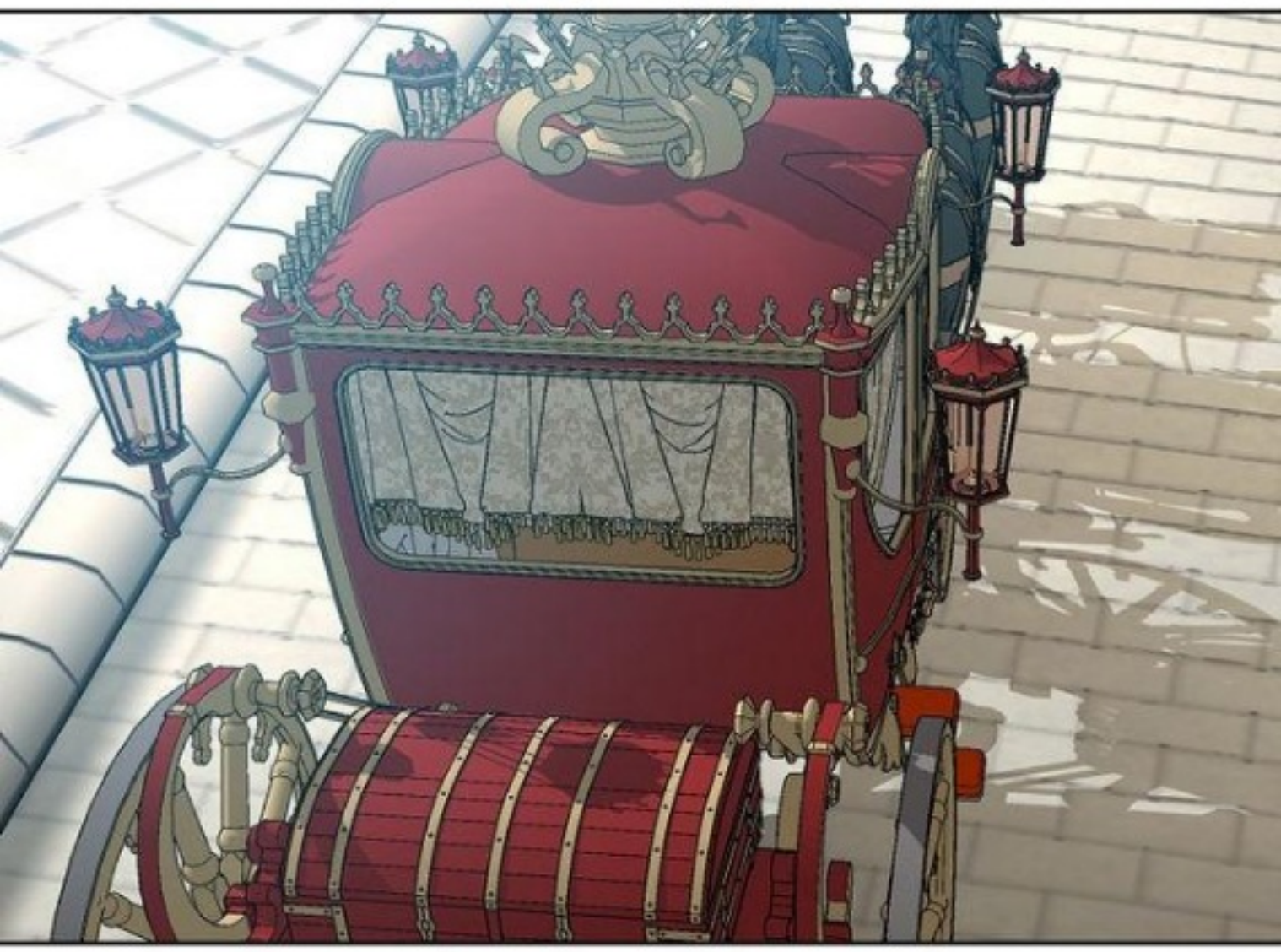


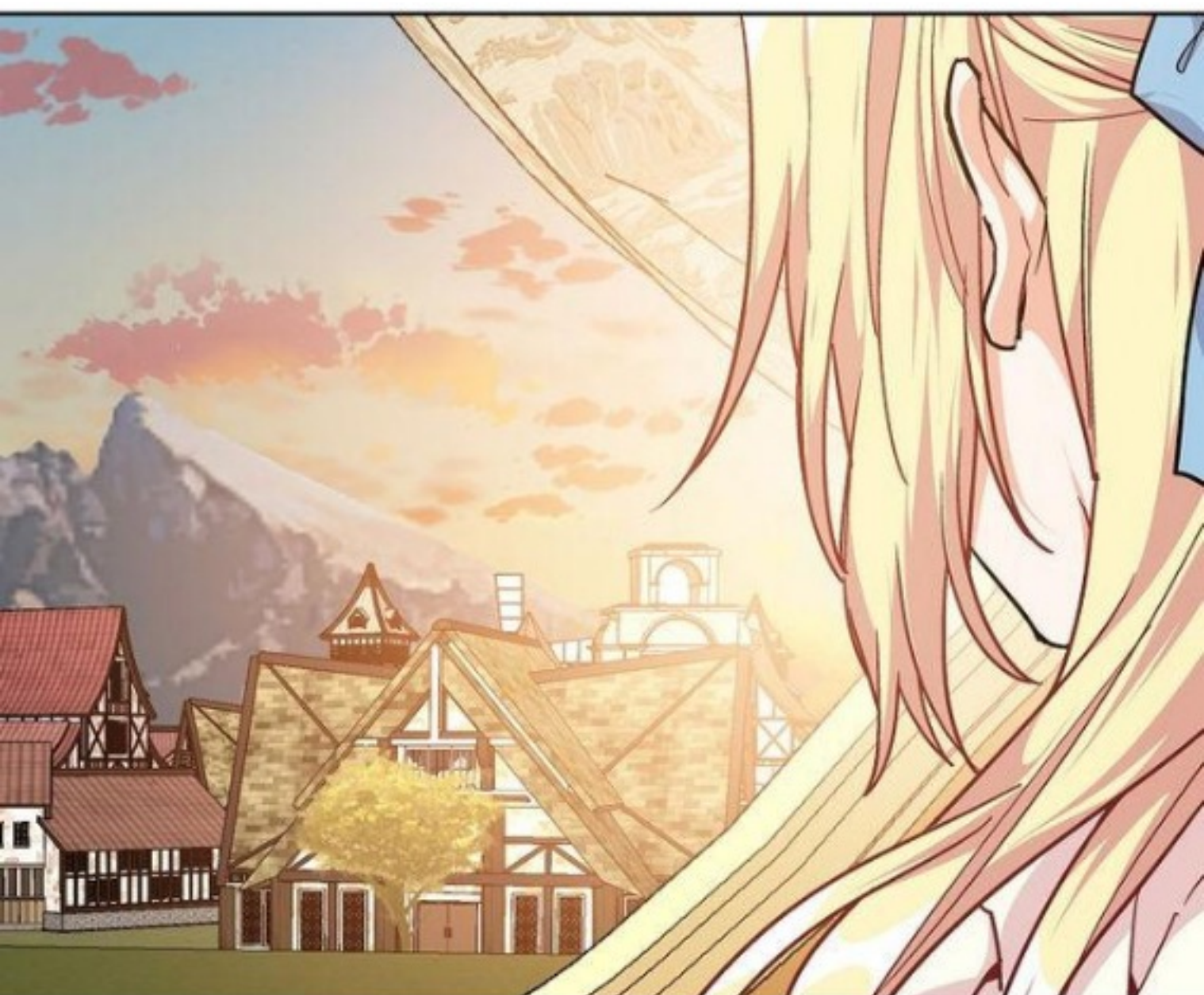
فیلی خوردم...
فوشمنزه بود.

تکان سر...

یه چرت کوتاه قبل این
که برسیم به قصر فوبه،
نه؟

خواب آلود





بیداری؟ خسته به نظر میرسی،
چرا یکم دیگه نمیخوابی؟



فکر کنم کالسکه اشتباه
لا، رفته سرورم.
لا

اشتباه؟



۲۸
بله، قصر از این
مسیر نیست...

نه، فکر کنم اصلا از
لوندو خارج شدیم...

داریم درست میریم.

چی؟

به قصر بر نمیگردیم.

چی؟

پس
کجا داریم میریم؟

این چیزیه که از
آدم ربا میپرسن؟

ففا



من الان در حال
دزدیدن توئم.



س - سرورم...



مم...

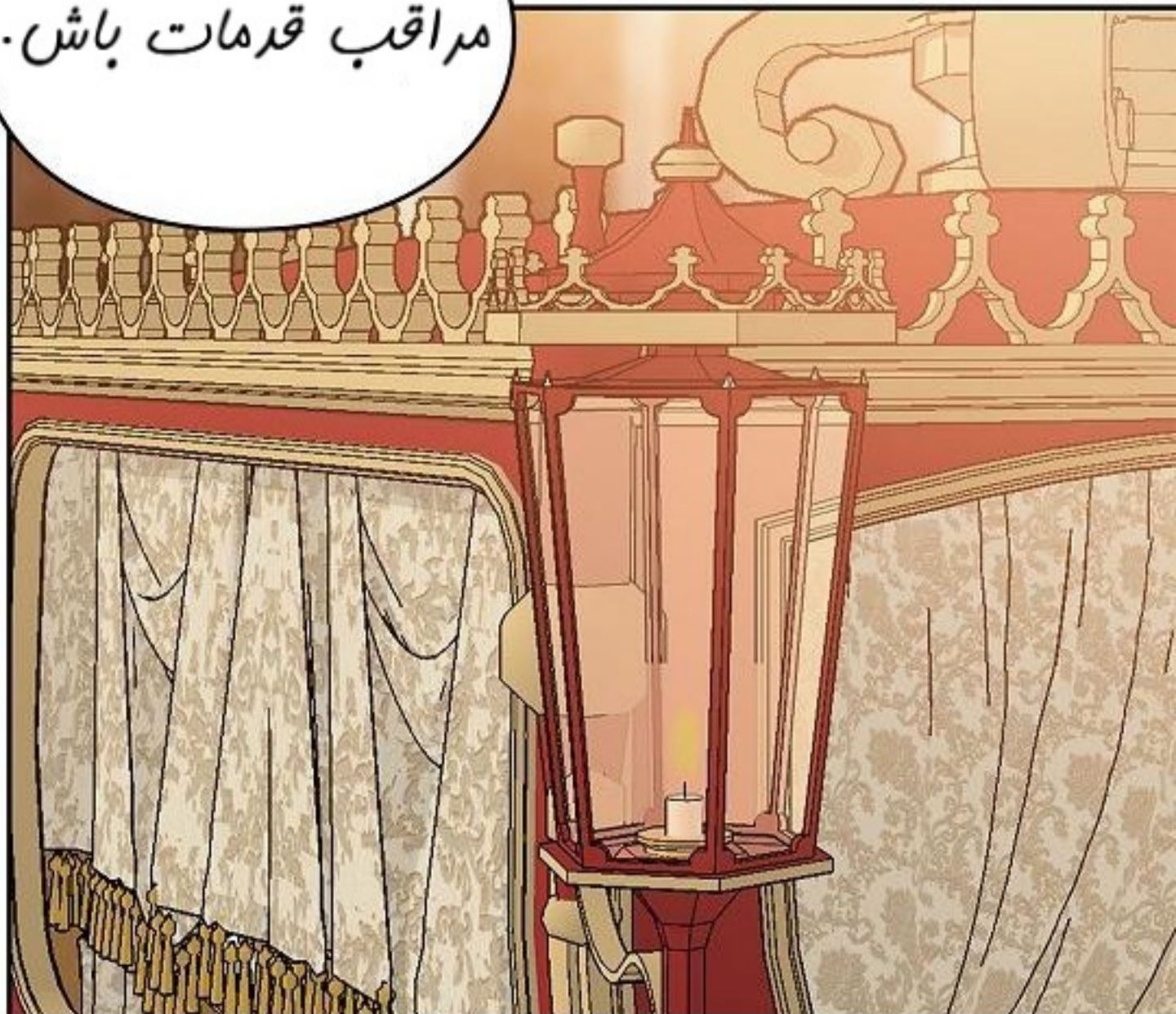
(صدای دست و پیچ و سوت و عریبه هفتار)



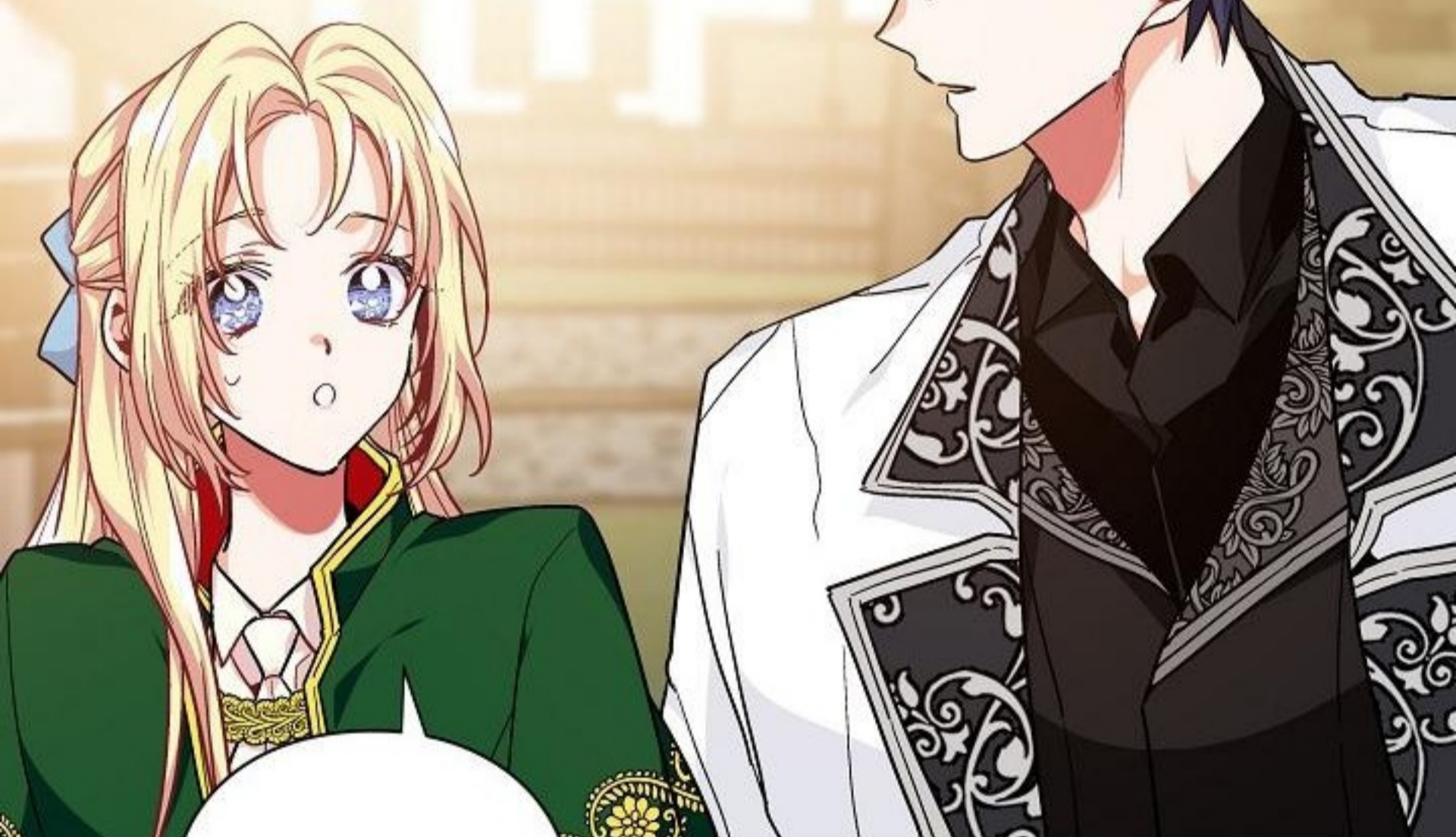
چیزی نگو و فقط
دنبالم کن.



مراقب قدمات باش.



سفر طولانی ای بود،
جاییت احساس ناراحتی
نداره؟



سرورم...

اوم... یه عالمه کار
برای انجام دارم.





فوبه. من هواسم
بهش بوده.

هواستون بوده؟

اون جلسه ای که با بقیه تو
بیمارستان داشتم رو یادته؟

من براشون برنامه ریزی کردم
که کارهای تو رو تقسیم کنن.

با اینکه اونا مثل تو
نیستن، ولی باز
آدمای شایسته ای ان.



بهشون دستور دارم همه
کارهایی که مونده رو انجام بدن
تا وقتی تو برگردی.

۱- اما، اون کارا رو
باید من انجام بدم...



الیزه



فشار دادن

یک بار دیگه میگم،
دیگه به کار فکر نکن.

...سرورم؟

از اینجا به بعد
فقط من و تویم.



